

جانب صدارت رقمه میرسد کاهی بمرامه رجوع می شود کاهی بعد از رجوع میشود رقمه دیدم که مشیر السلطنه نوشته هیچ اطلاع ندارد وزیر دربار بالمراسم حکومت میکند آخر علاءالدوله چه حق دارد دخالت باور عدلیه میکند یا اقبال الدوله یاوزیر مخصوص شما محکمه ندارد عدلیه ندارد

**آقا میرزا محمود خوانساری** - بنده مسیوق هستم که علاءالدوله دو نفر سید فرستاده بود خانه را جبراً تغلبه نماید

**آقا سید حسن تقی زاده** - بعضی میگویند باید وزارت عدلیه صحیح باشد تا قانون گذارده شود من میگویم اول قانون گذارده شود بعد وزارت عدلیه ولی یک قانون که رشوه نگیرند وضع شود رفع اینها را میکند

**آقا میرزا ابوالحسن خان** - قانون رشوه گذارده شود تمام این کارها برداشته می شود تمام این مداخله در کار یکدیگر جهت رشوه است

**رئیس** - جای شبهه نیست باید این قانون وضع شود حرف در این است امروز گذارده شده مجری شود باروز دیگر

**آقا سید محمد تقی** - جناب وزیر مالیه مدتی است تشریف آورده و مطلبی دارند باید مذاکره شود

**مستشار الدوله** - يك مطلبی است جزئی

راجع بهمین مسئله باید پیش نهاد جناب وزیر مالیه شود و آن رفتن مسیول اورس است ملاحظه میگردیم که اینها باهم مدعی بودند میتوان تحقیقات لازمه از بابت معاسبات گمرک بدست آورد رئیس سابق اداره گمرک تدبیرا تمام کرد و کار را بجائی رساند که حالا میخواست (پریم) راهم روانه کند چند روز قبل عریضه نوشته است بخاکبای اعلیحضرت که یکسال از مدت کتترات (پریم) مانده وسی و پنج هزار فرانک واجب اوست بواسطه اینکه خوب خدمت کرده مرخص فرمایند برود و مر اجیش را دو ماه قبل بدهند در جواب دستخط صادر شده سی و پنج هزار فرانک داده شود حال اگر از نو کر است چرا این یکسال که باقی است میروند شاید خدمت دیگری رجوع شود و ماندنش فایده داشته باشد

**وزیر مالیه** - رفتن او بواسطه استعدای سابق بود

**مستشار الدوله** - این استعدا نشده کسی و پنج هزار فرانک اضافه بدهید

**رئیس** - يك نکته بنظرم آمد گویدر کتترات نامه نوشته شده که زمان رفتن یکسال مواجب بجائی داده شود حال آن وقت هم برود این ضرر هست

**مستشار الدوله** - آن مطلب دیگری است بعد از تمام شدن مدت کتترات البته ملاحظه انعامی خواهد شد مواجب انعام داده می شود اما حالا چرا برود شاید وجودش لازم و فایده داشته باشد

**رئیس** - این ملاحظه با وزیر مالیه است  
**وزیر مالیه** - ضرر ندارد به بینیم لازم شد نگاه میداریم

(با داشت قرارداد بانگلی از بابت استقراض چهار کرور فرائت شد یکی از آن شرایط که قریب باین مضمون بود (یک کرور بیانک اختیار داده شود که از صاحبان حقوق قبض نمبر شده و فهرست صندوق از قرائت تومان

شاری گرفته بخرج دولت بگذارد) مطرح نما کرده شد  
**وزیر مالیه** - مدت تومان شاری این است بنهیم تومانى چند میرسد

**آقا سید عبدالله** - صاحبان حقوق مجبور هستند که قبوض و فهرست خود را بیانک بدهند  
**حاجی سید نصر الله** - اینها بقدرایک کرور می دهند

**حاجی محمد اسمعیل** - يك چیزی دستی میدهند قبول میکنیم دو بیست تومان نقد دو بیست تومان قبض و فهرست

**آقا سید محمد تقی** - يك کسی میخواهد شرکت نکند حقوق او باید بماند

**حاجی محمد اسمعیل** - نکنند بانک مجبور نیست و مقروض نیست

**قده المک** - چه ضرر دارد دولت خودش این حواله را بدهد

**حاجی محمد اسمعیل** - سرمایه بیانک بدهند چه ضرر دارد این شرط را اما میکنیم معض خدمت بملت است اشخاصیکه فهرست و قبض دارند از بابت سرمایه بدهند کم دولت از قرض خلاص شود وهم آنها به حقوق خود برسند

**آقا سید حسن تقی زاده** - بنده این قرارداد

بانک را درست ملتفت نشوم بعضی مطالب خارج هم ضمیمه شده دپروز خوب بود صحبت شود آن روز ارائه نهمصد هزار تومان مغارج کردند و امروز در حقیقت تمام مصارف را ارائه کردند که پنج کرور می شود خوب است همان نهمصد هزار تومان که آن روز بعد از مباحثه زیاد تصویب شد بدهند دو کرور و یکصد هزار تومان باقی در تحت نظارت مجلس باشد که جزء جزء مصارف آنرا بنمایانند آنوقت داده شود بانک مجبور است با آن امتیاز نامه که گرفته و خمس سرمایه اش را بدولت قرض بدهد اما در مصارف آن نباید مداخله کرد

**حاجی هعین التجار** - مشتبه نشود خمس سرمایه در صورتیکه پنج کرور هم بفروشد يك کرور میتواند بدهد اندازه سرمایه آن است که هر چه سهام فروخته شود نه سی کرور

**آقا سید حسن تقی زاده** - باین کاری نداریم ولی بازک نمیتواند محل مصرف قرض را معین کند این حق مجلس است

**آقا سید عبدالله** - کسی سلب حق مجلس را نکرده در حقیقت بتصویب مجلس استقراض میکند

**آقا سید حسن تقی زاده** - آن روز در مجلس شرط شد نهمصد هزار تومان در محل مخصوص خرج شود باقی باشد تلاً محل معین شود بتصویب مجلس بخرج برسد

**آقا میرزا ابوالحسن خان** - قرار شد وزیر مالیه لایحه نوشته بدهند در مجلس آن روز تصویب چهار کرور قرض شد اما نباشد دو کرور و یکصد هزار تومان آن باشد بعد از تصویب مجلس دولت به صرف برساند و جناب وزیر مالیه هم تصویب کردند

**آقا سید عبدالله** - سخنی در آن نیست  
**وزیر مالیه** - ثبت الارض تم انقش

**رئیس** - باز توضیحاً میگویم مجلس چهار کرور را تصویب کرد ولی شرط شد عجلانه نهمصد

هزار تومان بتصویب صورتیکه داده اند به مصرف باقی بماند تا بتصویب مجلس مصرف شود با حقوق اطاب بیوات با قرض هائیکه کرده اند صرف آن باقیست  
**آقا سید عبدالله** - مگر کسی حرفی دارد

**آقا سید حسن تقی زاده** - آرزویک صورت مصارف برسم علی الحساب داده میشد ما گفتیم باشد تا بینیم جناب وزیر مالیه گفتند بحساب رسیدگی نشده این علی الحساب موقوف است بر فرض هر چه حساب نداشته باشد باین اندازه دارند حالا باید تمام آنها نوشته شده بمجلس بیاید پس از مذاکره و تصویب داده شود وانگهی آن روز جناب رئیس اصرار در اخذ رای چهار کرور داشتند من ایراد کرده گفتم شرایطش معلوم نیست و ما قرض را تصویب کردیم نه شرایط را

**وزیر مالیه** - صحیح میگویند آیا شرایط صحیح است یا نه

**آقا سید عبدالله** - شرایط صحیح است یا نه حالا که حواله نمیدهند

**آقا سید حسن تقی زاده** - چرا حواله میدهند

**رئیس** - مخالف با تصویب پریروز است

**وزیر مالیه** - این طور نیست آن دو کرور ثانی را نوشته ایم يك کرور بعواله دولت باشد شما میگویند باید مطلع باشیم در همان رشته تومان شماری معلوم میشود زیرا که تومان شماری منوط باینستکه محاسبات خود را نوشته مدافه نماییم آنوقت مطلع خواهیم شد حالا این شرایط صحیح است  
**آقا سید حسن تقی زاده** - یکی از شرایط حواله است

**وزیر مالیه** - بعد از آنکه تومان شمار را معین کردیم بدهند

**زرگر باشی** - پس باشد برای همان روز  
**وزیر مالیه** - بانک ملی امتیازاتی گرفته اگر این قرض نباشد آن امتیازات برای چیست

**آقا سید حسن تقی زاده** - این چه عیب دارد دولت خودش سهام بگیرد

**صدیق حضرت** - شما نقد کرده اید يك کرور بارباب حقوق داده شود شاید مجلس تصویب کرد بصمد هزار تومان بارباب حقوق برسد

**وزیر مالیه** - شما محققاً بدانند که يك کرور لافال باید داده شود

**بحر العلوم** - مجلسی علیحده تشکیل نماند مذاکره شود

**وزیر مالیه** - پیش مجلس کرده ایم و تصویب قرض را کردیم و معجز شد دولت ابران چهار کرور لازم دارد گفتیم از بانک ملی در مقابل امتیازات که داده اند باید این چهار کرور را بگیریم و مابه الازراء دادیم بر فرض خرج نداشته باشیم بقرض میدهیم حالا این شرایط صحیح است یا نه مذاکره شود

**صدیق حضرت** - محل دو کرور را معین بکنید آنوقت

**مذاکرات دارالشوری ملی**

روز سه شنبه ۲۰ شهر محرم الحرام ۱۳۲۵  
آقا سید محمد تقی خلاصه مذاکرات روز سه شنبه ۱۷ را قرائت کرد  
**رئیس** - آن فصل قانون که قرار بود در باب

رشته و مستوفی و حساب داری و لازم صورتی نوشته در آنجنس مذاکره شد بالاخره بطوری قبول کردند حالا قرائت شود.

(صورت قانون رشوه در اثر ائت گرفته اند که خلاصه مضمون او این است، عمال دیوان در صورت گرفتن رشوه محکومند برد مبلغ مزبور و خلع شدن راشی و مرتشی از شئونات و خدمات دولتی مادام-العمر و قطع شدن مرسوم او.)

**حاجی سید اسمعیل** - این يك جزئیات محل شكال است شاید بعنوان تمارف چیزی گرفته اند آنوقت داخل رشوه نیست.

**حاجی سید نصر الله** - بهر عنوان که باشد حرام است این حکم بر او جاری است چیز گرفتن بعنوان تمارف رشوه است فرقی نمیکند.

**حاجی سید عبدالحسین** - مادامیکه عمال دیوان چیزی بگیرند امکان عقلی دارد غیر از رشوه باشد.

**آقای میرزا ابوالحسن خان** - باید این لایحه مجدداً خوانده شود هر کس رای دارد بدهد فرض مجادله نیست.

**سعدالدوله** - دوباره قرائت شود.

**دکتر ولی الله خان** - لفظ ( او ) راجع یکی است لفظ ( او ) را بردارند تا شامل باشد هر دو را.

**حاجی سید اسمعیل** - عنوان را باید تغییر داد و معین کرد جایز و غیر جایز را من در این باب چیزی نوشته ام اگر مجلس صلاح بداند قرائت شود ( صورتیکه حاجی سید اسمعیل نوشته بودند قرائت شده قریب باین مضمون: راشی و مرتشی خلع از مناصب و قطع مرسومات و مواجب آنها و استرداد وجه از مرتشی بر راشی در صورت حرمت و در موقع لزوم و ضرورت تہذیر هر يك بنظر حاکم شرع جامع شرایط )

**حسن علی خان** - این فصلی را که آقای تقی زاده نوشته اند خیلی خوب است و چیزی بنظر مرسیه اگر ضمیمه شود خیلی بهتر خواهد شد در باب استرداد وجه رشوه از گیرنده دو برابر بگیرند يك برابر به صاحبش رد نمایند و يك برابر دیگر به صرف خیریه برسد ( جمعی گفتند این میشود موافق قانون شرع نیست )

**احسن الدوله** - چون سابقاً در مسئله رشوه مذاکره شده بود و این لایحه هم اگر چه مطلب دیگری است و همان است که آن شب قرار شد نوشته شود ولی در حقیقت راجع به همان رشوه است اجازه می دهید بعنوان لایحه را خوانند ( چند روز است که در مجلس بفرز مطالب اظهاریه دولتی مذاکره بمان نیامده تا الحاح و البته با وجود تلاک و پریشانی که عموم اهالی ایران گرفتار شده اند این ملت با غیرت من باب تعصب و دولت خواهی که دست اجنبی داخل کار نشود تکالیف دولتی را برای تأدیة نصد هزار تومان وجه نقد در حق ارباب حقوق لازمه و تمذیل مالیات ولایتی برای سنه آتی از مرکز طهران بدون محاسبه با اکثریت آرا در مجلس شورای ملی تصویب و قبول شد در این صورت هیچ انصاف نیست که وزرای در بار هماپونی در نظم و امنیت ولایات و رفاة حال ملت سلطان پرست که از جان و مال خود مضائقه ندارند بهیچوجه اقدامی نکرده و تکلیف حکام و مأمورین جزء را معین نکرده ممالک محروسه را باین

حالت افتتاش و نا امنی باقی بگذارند و حال آنکه بموجب فرمان و دستخطهای هماپونی تمام مقصود منظور اعلیحضرت اقدس شهرباری خلد الله ملکه آسودگی و امنیت عمومی اهالی ایران بوده و هست و ابداً راضی بفرایب ملک و زحمات فوق العادہ وجود مبارک خود نیستند با وجود این برای الهین می بینیم که آنآقا از بی نظمی ولایات و نا امنی طرق و از ظلم و استبداد حکام مکتوباً و تلگرافاً شکایتها میرسد و بهیچوجه در نظر اولیای دولت محل اعتنائست و تکلیف ریاست مجلس است که مراتب را بجایهای لازمه راپورت داده و تحصیل جواب نماید که اینقدر مسامحه از جانب کیست و جهت چیست و یقین دارم اعلیحضرت اقدس شهرباری پادشاه جوان بخت ابداً باین دزجه راضی بفرایب ملک و ملت خود نخواهند بود که در عاقبت مایه ندامت بشود )

اینهایی را که عرض میکنم جهت دادخواهی است از همه انصاف میخواهم شش ماه است مجلس برقرار شده در این مدت يك نتیجه بنظر برسد دیده نشده آخر اینها اینکه اینجا هستند همه کاسبند و کار دارند از کار و کسب دست کشیده اند در عوض نتیجه و فایده باید بدست بیآورند همانطوریکه رشوه می گرفتند میگیرند و میدهند مجلس باید نتیجه داشته باشد تا یکی یکی در این خصوص رای ندهند نمی شود چه رشوه چه دزدی تفاوت ندارد شرعاً حکم این چه چیز است فیراً از تنبیه است دیگر موقع مباحثه نیست آقایان باید امروز این مطلب را تمام کنند قانون رشوه نوشته شود که استرداد پول و مال مردم بشود دوساوی هم نمیخواهیم یکساوی که گرفته پس بدهد مادست اورا می بوسیم .

**رئیس** - در کلیات کسی حرفی ندارد و باید موضوع را معین کرد .

**حاجی محمد اسمعیل** - این رای شما است دو مساوی گرفته نشود شاید بعضیها بملایه چیزی رای بدهند لایحه نوشته شده خوانده شود رای بگیرند .

**آقای سید مهدی** - در صورتیکه راشی هم متعصم است باید مجازات برسد پس باید پول آن را گرفت به صرف شرعی برسد ( جمعی گفتند این نمیشود همان خلع از خدمت و قطع حقوق مجازات است )

**سعدالدوله** - اولاً بهر اسم و رسم نوشته اند مقصود چیست یعنی اگر يك صاحب تعصب نظامی بولی بگیرد و حقوق دولت و ملت را بفروشد مجازات آن هم همین است .

( جمعی گفتند این خیانت است و جزای خائن در حق او جاری است )  
اگر يك کسی بولی بگیرد و یکی از رجال دولت را مسوم نماید آیا جزای آنهم همین است ( جمعی گفتند این قتل است و مجازات قاتل در باره از مجری است )

اگر يك کسی از اعضا مجلس پول بگیرد بر صلاح و مصلحت عامه حرف نزند آن هم رشوه است ( گفتند اینهم داخل عنوان خیانت است ) پس حدود رشوه را معین نمایند ثانیاً این فصل در حق عمال دیوانی ناقص است و در خارجه فصل مشعبی نوشته اند شامم بنویسید و تمام حدود هر يك را معین کنید .  
**رئیس** - آقای تقی زاده این فصل را نوشته اند

عجالة نظر بعمل دیوانی است .  
**سعدالدوله** - جواب بدهم باینکه هزار از این قوانین نوشته شود دست از کارهای خودشان نخواهند کشید

**آقای سید حسن تقی زاده** - اگر معض نوشتن قانون باشد در هر سال در عید نوروز صد تا از این قبیل احکام و قوانین صادر و نوشته میشد که نباید حکام ظلم بکنند و رشوه بگیرند و . . . ولی مجری نمیشد بجهت اینکه مجازات نداشت حالا باید مجازات گذاشته شود البته مجری خواهد شد

**سعدالدوله** - هیچ قانونی تا حال از طرف این مجلس گذارده شده

**آقای سید حسن تقی زاده** - غیر از قانون اساسی خیر

**سعدالدوله** - آیا مجری شده از شما میبرسم؟ ( جمعی گفتند مجری نشده )

**حسنعلی خان** - چه چیز آن مجری نشده بدانیم و بخواهیم مجری شود ،

**آقای سید حسن تقی زاده** - اذان میدهند توضیحی از برای این فصلیکه نوشته شده بکنم البته میدانید این قانون عقیده شخصی نبود که باینجا رسید شاید بنده بیش از اینها حدودات و مجازات رشوه را میدانم در حقیقت آنطوریکه آن روز آقایان فرمودند و نتیجه کمیسیون و ملاحظه قوانین شرعیه این سه ملاحظه این قانون را تولید کرد و حال هر کدام در کمیسیون رای داده اند که هیچ هر کس رای نداده مباحثه دارد بگوید خواهش دارم درست توضیح نمایند که کجای آن اصلاح شود و کجای آن ناقص است .

**آقای شیخ ابراهیم** - این فصل چیزی زیاد از شرع ندارد .

**حسنعلی خان** - مخصوصاً در فصل مجازات رشوه قید شده که اگر رشوه گرفته باشند از کسی بعنوان جنایتی آن وجه استرداد شود بملایه قصاص هم بشود .

**حاجی شیخ علی** - دو امر است یکی رشوه گرفتن و یکی جنایت هر کدام اینها حکم ملیعه دارد .

**حاجی سید نصر الله** - آن عنوان دیگری است شاید همان رشوه گرفتن مستوجب قتل شد نباید اینها را داخل هم کرد .

**سعدالدوله** - پس رشوه را معدوم ندانید .

**حسنعلی خان** - مخصوصاً باید توضیح بشود فرق است ما بین شخصی که از وزارتخانه رشوه گرفته با کسی که از خارج باشد این حکمی که نوشته شده در تمام آحاد نمیشود مجری کرد .

**حاجی سید نصر الله** - موضوع رشوه که از او جنایت و فساد تولید شود حکمش رافرموده اند ( ان یقتلوا او یصلبوا ینفوا فی الارض )

**حسنعلی خان** - عمال دیوان هم تفاوت دارد و فرق میکند خیانت فلان وزیر غیر از خیانت فلان تلگرافچی است .

**سعدالدوله** - آنوقت میگوئیم تمام طبقات مردم یکسانند و نمیشود حدود را در قانون معین کرد .

**حسنعلی خان** - باید حدود هر يك معین باشد .

**سعدالدوله** - وقتیکه خیانت را داخل رشوه

کرده باید حدود را معین نماید از برای منصب  
فروشی و لقب فرشی و بی استحقاق بکسی کار دادن  
هر يك از اینها حکم علیحده دارد پس باید معین  
شود و گفتیم يك جز و در این باب از کتب خارجه  
ترجمه و نوشته شده یعنی حدود هر کسی را بطور  
مبسوط نوشته اند.

**رئیس** - آن در يك فصل نمیشود باید فصل  
نوشته شود.

**سعدالدوله** - پس همان است که من گفتم هر  
کس دستور العمل دارد ملاحظه نمائید چیزی نوشته  
نشود که منافی هم باشد.

**آقا سید حسن ققی زاده** - بلی آنها هم  
ملاحظه شد ولی بملاحظه شرع گفتیم این طور باشد  
که نوشته شده لقب فروشی و منصب فروشی را بشود  
داخل در عنوان دیگر کرد و مجازاتی برای او  
معین شود.

**آقا سید محمد تقی** - پس باید همانطور که  
جناب سعدالدوله فرمودند فصول آنها نوشته شود.

**حاجی بحر العلوم** - مندرج بشود در تحت  
خیانت و غیره احکامش جدا میشود اگر منطبق شد  
حکمش معلوم و اگر نشد داخل در این موضوع بوده  
و این حکم را دارد.

**حسن علیخان** - کسی برخلاف تکلیف  
اداره خود رفتار نماید دستور العمل میدهند که از  
روی او رفتار کنند نمیکند مثلاً بنده رشوه بگیرم بآب  
تکلیف عمل نکنم باید معین شود.

**حسام الاسلام** - اصل رشوه پول گرفتنی از  
کسبت برای اینکه باطالی راحق کنند یا حتی رباطل  
**حسن علیخان** - داخل کردن کسی را با دارة  
که مناسب آن اداره نیست و شاید او دوست آن شخص  
هم باشد و چیزی هم نگیرد.

**حاجی شیخ علی** - خیانت است یا نه.

**حاجی سید نصر الله** - مایک رشوه گرفتن و  
رشوه دادن داریم فقط از حیث رشوه گرفتن غیر از  
این هبارتی نداریم و از برای رفع این ریشه خبیثه  
بهر و مساعدتر از این فصل نمیشود ولی از حیث  
و جهة دیگر باشد عنوان دیگری دارد و حکم دیگر.

**دکتر ولی الله خان** - گویا معنی رشوه پیش  
بعضی درست معلوم نباشد رشوه عبارت است از  
گرفتن پول از کسی برای این که چیزی یا خدمتی را  
بطور ناحق یاو میدهند خوب است سطر بقانون  
رشوه افزوده شود و مضمون آن این باشد که هر  
کس بپیل خاطر یا هوای نفس حق را بشیر معنی  
بدهد مسئول است عقیده بنده این است اگر چنین  
مضمونی منظم برشوه شود البته کامل تر خواهد بود.

**حاجی سید نصر الله** - آنها ملحق بخیانت  
است حکم خیانت را دارد.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

**آقا سید حسن ققی زاده** - مملکتی که قانون  
ندارد و آن هیچگونه لفظ جامع ندارد باید يك  
مجلس اکادمی داشته باشد که لفظ جعل کند ولی قانون  
داریم حکم رشوه را شرع گفته است هر جا که دیدیم  
رشوه است حکم رشوه را بر او جاری میکنیم.

شد آنوقت مجازات رشوه را دارد علاوه مجازات  
قتل و جنایت راحم علیحده دارد مقصود آقایان آن  
روز بجهت رشوه بود و گفتند مجازات آن موافق  
شرع باشد.

**حاجی سید نصر الله** - حضرت امیر علیه السلام  
در ضمن خطبه تقسیمی فرموده از مقابله آن اقسام  
معنی رشوه ظاهر میشود میفرمایند: (اصدقه ام هدیه ام  
رشوه) از این تردید معلوم میشود هر تعاریفی که در  
او عنوان صده و هدیه نباشد رشوه است لاقیر.

**وکیل الرعایه** - این حکم رشوه است وقتی که  
آمدند فضاوت کردند باید موضوع را معین کرد.

**آقا سید عبداللله** - کلمه آخر کسانیکه متدین  
بدین اسلام هستند باید شرم بکنند و قتیکه شرع حکمی  
را معین کردن نباید گفتگو نماید سه روز است بخوابد  
عنوان رشوه گرفتن را معین نمائید همان عنوان که  
نوشته شده کفایت است اگر غیر از این باشد خارج  
از تکلیف مجلس است آن کار بادشاه است.

**آقا میرزا ابوالحسن خان** - بریر روز بنده  
معین عرض را کردم.

**آقا سید عبداللله** - این خلع از منصب و قطع  
مرسوم سیاست عرفی است و مخالف با شرع هم نیست.

**حاجی سید نصر الله** - یک سیاست مدنی است  
که مخالف منصب نیست در این صورت مجال وسیع  
است و ممکن است بر حسب مقتضیات قبول تغییرات  
کند لیکن چنانکه مؤدی بمخالفت منصب شود هیچ  
امری پذیرفته نمی شود.

**آقا سید حسن ققی زاده** - آنچه از شرع  
رسیده اینجاست و نوشته شده آنچه بالاتر نوشته شده  
اگر علاوه مخالف شرع است او را بزنند.

**آقا سید عبداللله** - نه غیر او مجازات  
شرعی نیست ولی مخالف شرع هم نیست و قتیکه  
شخص سلطان بگویند هم بچنین شخصی منصب  
و مواجب ندهیم دیگر جای گفتگو نیست.

**آقا سید محمد تقی** - رشوه یا تعارف  
باشد.

**حاجی سید نصر الله** - رشوه بهر اسم و  
رسم باشد اخذش حرام است بلکه اگر مشتبه هم  
بباشد احراز حلیت لازم است (لا یجل مال امره  
لامره الا من حیث احله الله)

**آقا سید حسن ققی زاده** - لفظ (بند  
از نبوت) زیادی است بجهت اینکه ما صد یا بیشتر  
باید قانون جزا بنویسیم آنوقت لفظ (نبوت)  
بگذاریم نمیشود معلوم است قانون جزا بعد از  
نبوت است (در این موقع خواستند رای بگیرند)

**آقا سید عبداللله** - این محتاج برای  
گرفتن نیست اگر بنا باشد برای هر چیز رای بگیرند  
باید برای نماز عشا و مغرب هم رای بگیریم.

**حسام الاسلام** - این رای برای حکم شرعی  
نیست برای اینست دولت قبول کند و مجری بدارد.

**آقا سید حسن ققی زاده** - رای بجهت  
این است شاید کسی رای برای زواید ندارد.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - اولاً ما بطوریکه  
حضرت آقا فرمودند صحیح است میخواهید رای  
بگیرید برای عزل آنها از خدمت و وثوقات دولتی  
و قطع حقوق رای بگیرند نه برای حکم شرعی ناپسند  
این حکم تا کجا است در دوائر دولتی.

**صدیق حضرت** - بدون استئنا حدی ندارد  
**آقا سید عبداللله** - تکلیف مجلس است که  
قانون وضع کند تا هر جا که ممکن است مجری  
بدارد (ورقه منتشر و با کبریت آرا همان فصل  
را که نوشته شده بود در باب حکم رشوه تصویب  
کردند)

**حسن علیخان** - این قوانین که در این مجلس  
گذارده میشود در همه دنیا مثل زنجیر بهم بسته  
است و باقتضا زمان این قوانین را میگذرانند یکی  
از قوانین اساسی ما تکمیل بشود ضرر ندارد و  
امروز گفته شود او این است که بعد از وضع  
قوانین از دولت میخواهند که تا چند روز بعد  
باید مجری شود بدانیم چون بعضی از قوانین فوری  
است و بعضی مدت لازم دارد و بتعینده من این  
قانون امروز فوراً باید مجری شود.

**رئیس** - قوانین دو قسم است یکی قوانین اجرا  
آن مدت لازم دارد یکی قوانین شرعی است دیگر  
او مدت لازم ندارد همه وقت فوراً باید مجری  
شود.

**آقا سید حسن ققی زاده** - قانون بحسب  
اقتضا وقت گذاشته میشود این قانون رشوه که وضع  
کردیم انشاء الله فوائد عظیمه از آن خواهیم دید  
يك عیب و خرابی بزرگی داریم که آن را هم  
باید يك لایحه قانونی درست کرد هر وقت از دوائر  
دولتی یا اشخاص معلوم الحال که سر کار میآیند  
مذاکره شد در جواب میگویند ما حق تصرف در  
اینها نداریم ولی گویا حق داشته باشیم وضع قانونی  
بکنیم و جلو گیری نماییم مثلاً اشخاصیکه هیچ ربط  
ندارند جمع میکنند و کار های بزرگ رجوع می نمایند

این است زود زد تغییر میدهند این نمیشود مجلس  
نمی تواند هر روز با کسی طرف شود و شاید این  
تکار دادن از روی محبت میشود باید قانون وضع  
شود مثلاً معز السلطان بسمارت زود و فلان شخص  
مدیر است نشود... در آذر با بجان حکام استقلال  
عزل اشخاصی لازم بود گفتگو شد جواب دادند

نمیشود حالا می بینیم ما حق داریم و اهل مملکت  
حق دارند جلو گیری از خرابی مملکت نمایند و  
در مصالح و فوائد عمومی مذاکره کنند حال من  
عرض نمیکند که کی وجه ولی میگویم مجلس حق  
دارد برای ترتیب این کار ما قانونی وضع کند.

**سعدالدوله** - این فوائد صحیح است ولی  
حکویا در جزو قوانین وزارتخانه ها نوشته شده  
و باید تخلف نکنند اگر تخلف کردند بجازات  
خواهند رسید.

**آقا سید حسن ققی زاده** - این صحیح است  
ولی یکسطر برای تمام وزارت خانه ها آن قانون  
نوشته شود که مجلس هر بیقاعده را در نظر داشته  
و رفع او را بنماید.

**سعدالدوله** - این قانون نوشته شده و مجلس  
هم تا حال این ملاحظه داشته و هیچ قائل نبوده  
ولی متأسفانه میگویم هیچ شمری نه بخشیده.

**آقا سید حسن ققی زاده** - اگر صلاح میدانید  
يك لایحه نوشته شود که این مجلس حق جلو گیری  
از خرابیهای مملکت را دارد.

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

**رئیس** - صحیح است ولی همان طور که جناب

سعدالدوله فرمودند نوشته شده در موقعش خواهد آمد حال شما میگویند که پیش بیندازیم آن مطلب دیگری است هرگاه مصلحت میدانید چه ضرر دارد.

**آقا سید حسن تقی زاده** - در جاهای دیگر مجلس کار میدهند و او هم مثل سایر ادارات کار میکند اما اینجا مجلس باید برای خود کاری بسازد کند.

**سعدالدوله** - این حرف هم صحیح است شما خودتان را در آن مقام بدانید و آن قانون را وضع کرده دانسته بفرستید رئیس تلگرافخانه شیراز را چرا مزول کردید یا فلان حاکم را که حالش معلوم است چرا فرستادید بگویند چرا نمیفرستید منظور آن است حق دارید.

**آقا سید حسن تقی زاده** - همین بطور قانون نوشته شود یک مطلب دیگر گفتیم دولت هیئت کابینه و زرا معرفی کردند و معلوم شد ولی آن اشخاصیکه در ادارات سمت ریاست داشتند و داخل کارند معرفی نشدند مثلا تلگرافخانه باکی پرده و حالا باکی است یا پسخانه و غیره باید این ها را بدانیم.

**سعدالدوله** - امروز کار مهم تر داریم از تمام وزارتخانهها قسم تر وزارت عدلیه است که هیچ نظم و ترتیبی ندارد و امروز وزارت عدلیه دست روی هم گذاشته اما ما بدینخانه میبینیم هر وزارتخانه و هر منشی مجلس عدلیه دارد و من هر منشی منشی مدین کرده ام که اتصال جواب نظلمات مردم را میبویستند و نمیرسند وزیر عدلیه که آن روز آمدند مجلس گفتند تا به مخارج و قوت ندهند مسئولیت ندارم تمام مقصود این مجلس برای عدلیه بود چرا تمام وزراء را خواستید وزیر عدلیه را نخواستند توضیحات بخواهید دولت آن چیزهاییکه وزارت عدلیه خواسته بود داده است چرا تکلیف خود رفتار نمیکنند نداده است چه بوده نداده.

**آقا سید حسن تقی زاده** - هر حرفی منتهی یک قانون میشود یک قانون یکسطری نوشته شود که هیچکس حق مداخله در کار دیگری ندارد این صحیح است یا نه.

**سعدالدوله** - مقصود ما وزراء را خواستیم و آن اعتراضیکه آن روز بوزیر مالیه کردیم در یک موقع گفتند مرض همایونی برسانم و در یک موقع دیگر گفتند بصدارات عظمی عرض نمایم آن صحبتهای آن روز و آن اعتراضات برای آن بود مجلس بدانند طرفش کیست و وزراء هم بدانند طرفشان کیست این رفته ایست بدست من افتاده و از اینها خیلست استعدای شغلی از صدارات شده و صدراعظم هم مرفوع داشته اند (مسیو کینه در پستخانه شغلی که مناسب باشد پلانی رجوع نمایند) از این چند چیز معلوم میشود یکی اینکه پستخانه با سکرک یکی است دوم اینکه مسیو کینه رئیس است سیم اینها با وزیر مالیه است رجوع نشده و معلوم میشود وزیر مالیه باید در تمام کارها رجوع بصدارات نماید و از این چیزها خیلی است همه میدانید و خدا هم میدانند علاج بکنند.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - چهل و پنج هزار تومان فرنگها برآه توامانی چهار هزار خریداری

سکرده اند از پول نقد بر میدارند و اینها را تومان تومان بخر میگذارند و این ضرر دولت و ملت است و آن روز بوزیر مالیه گفته شد که عبادت کمرک توقیف باشد برای این بود و باید مخارج بخواه مالیه باشد و امروز هم هفتاد و چهاره باین عنوان گرفته شده حتی فهرست های حواله صدارات عظمی را هم بخرند مگر آنهاشیکه نوشته اند نصفه داده شود آنها را قبول نمیکنند

**آقا سید حسن تقی زاده** - این کشتی گیری باعث میشود مجلس بهمان قوه که پیش آمده بود بهمان قوه بس برود و در همانجا شیکه در دو سال قبل بودیم خواهیم بود.

**حاجی محمد اسمعیل آقا** - همین حرفیکه عرض شد غیر از منفعت دولت است ولی همینکه ما مایکونیم بخیا لشان عرض داریم بر خلاف آن رفتار می نمایند.

**سعدالدوله** - شاه شهید را در خواب بدیدم یا تقیر فرمودند شاهان شسته اند چه میگویند در پشت سر سلاطین چرا بد میگویند آنچه لازم سلطنت و خیر ملت است باخلاف خود گفته ام جایز بادست نشان دادند که حالا تکلیف من نیست بگویم فرمودند کتابی یا رساله ای در آنجاست تفحص نمایند مقصود شما دراز هست و من آدم خود را فرستادم بآن مکان هر چه تفحص کرد چیزی پیدا نشد جز آنکه شخصی از آن مکان آمد گفت باین نام و نشان که میفرمائید رساله و کتابی نیست اما فرمانی پیش منست و حالا آن فرمان را آورده ام (فرمان را قرائت کردند فریب باین مضمون: خطاب برحوم شاهزاده جهانسوز میرزا

با آزادی مال و جان بتمام رعایای خود دادیم و هر کس مأذون و مجاز است که تجارتهای عمده و کمیانیها و غیره تشکیل نمایند جهت پیشرفت تمدن و ترقی مملکت و حفظ حدود و حقوق امنیت آنها با ما است.

تاریخ ( ۱۳۰۵ )

**سعدالدوله** - تعبیر این خواب و غرض از این فرمان جز این است این قانون اساسی که این همه بپاوشد با اینحضرت همایونی دستخط فرمودند و امضاء از شاه مرحوم گرفتند همین آزادی مال و جان برای مردم رعیت بود ولی تا حال مجری نشده و مقصود در این فرمان همان (لفظ آزادی مال و جان) است و تعبیر این فرمایش شاه شهید چیست گمان این است تعبیرش این است که قوه اجرائیه نیست و قوتیکه قوه اجرائیه نشد تصحیح سلاطین چیست حال این مجلس هم اول کاری که میکند قوه اجرائیه را مدین بکند اسکر موجود است نشان بدهد اگر نیست ایجاد کند و در این دستخط آخری دو لفظ است یکی فرانس که لفظ (کنستی توسیون) است و یکی شرع آنچه میخوانیم و میگوئیم و میبویسیم موافق این کلمه است این عرض من مخالف شرع است از آقایان میبویسم عدد وزرا همین باشد خلاف شرع هست ؟ نیست اینکه رشوه نگیرند بخلاف شرع هست ؟ نیست وزرا مسئول باشند خلاف شرع هست ؟ نیست وزرا باید قسم یاد نمایند موافق کنستی توسیون است خلاف شرع نیست . ما این چیزها را میخوانیم تا این اساسی درست نشود فایده ندارد ترضیح وقت است شما تصور کنید بعد از آن همه زحمات تأسیس بانک مینمایند میروند اسباب زینت خود را فروخته می دهند حالا آمدند شرایط فرار دادند.

**آقا سید عبداللّه** - چون صحبت قسم بیان آمد آن روز هم صحبت قسم شده بود شما این قسم را برای طمانیه مردم یاد نمائید که مردم اطمینان حاصل نمایند آمدیم بر سر قسم یاد کردن وزرا چون آن در کیفیت نظام نامه نیست برعهده ما است که وزراء کاردان در محضر سلطان حاضر شوند و قسم بدهیم .

**رئیس** - این صحیح است ولی مقدمه دارد و در این هم شبهه نیست که هر کس تکلیف خودش را میداند میخواند بنده اول اقدام می کنم .

**سعدالدوله** - بنده بعضی از عبارات این میتوانم قسم یاد نمایم بعضی نمیتوانم .

**آقا سید حسن تقی زاده** - تکلیف قسم یاد کردن است و هر کس بعهده خودش است ولی مقصود از قسم یاد کردن این است که امین باشند خیانت نکنند این در کلا تمهید کرده اند که بدولت و ملت خود خیانت نکنیم و آن دستخط آخری یک لفظی دارد میتوانیم یک قدری خارج بشویم یعنی ترمیم اساسی را درست نمایم بعد از تمام شدن آن قسم یاد نمایم

**سعدالدوله** - همین است ولی همین قدر حرف بیان آمد شبهه شد نمی شود بچیز شبهه ناک قسم یاد کرد .

**آقا سید عبداللّه** - شما چیزی گفتید مردم را بعبال انداختید این لایحه را بهینه زیاد و کم دارد درست نمائید قسم یاد شود .

**رئیس** - هر قانونی که نوشته شود آن در اینجا ذکر شده پس ما قسم یاد میکنیم مادامیکه حقوق مجلسیان برقرار است و قوتیکه آن حقوق را گرفته اند معلوم است حقوق و نعمت ما هم می رود و قسم یاد کردن حالا منافات ندارد با قوانینی که بعد نوشته میشود ( در این موقع جناب رئیس و جمعی از و کلا قسم یاد نودند و مجلس برهم خورد )

**وقایع و مذاکرات دار الشورای ملی**

**روز پنجشنبه ۲۲ شهر محرم ۱۳۲۰**  
پس از انعقاد مجلس و حضور حجج اسلامیه و کلاه محترمیکه روز سه شنبه ۲۰ قسم یاد نکرده بودند امروز تماماً در حضور حجج اسلامیه سوگند یاد کردند مابعد از طمانیه اطمینان خاطر ملت گردید بعد از و کلاه آقا سید عبداللّه تجتهد و آقا میرزا محمد تجتهد محض مزید امیدواری و آسایش قلوب عموم ملت قسم یاد کردند از این لطف و تفقد حجج اسلامیه تماشاچیان را مسرت و بشاشت فوق العاده روی داده همگی متفق الکلیم بصدای بلند تشکرات و امتنانات خود را از حجج اسلامیه اظهار داشتند صورت قسم نامه

ما اشخاصیکه در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهدات میطلبیم و بقرآن مجید قسم یاد میکنیم که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است همه ما اسکن با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم و نسبت با اینحضرت شاهنشاه متبوع عادل مقدم خودمان صادق و راستگو باشیم و با اساس سلطنت مشروطه و حقوق ملت خیانت ننماییم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائدها و مصالح دولت و ملت ایران موافق قوانین شرع محمدی صلی الله علیه و آله و صیس مکتوبی را که جنابان اشرف الذاکرین و